

بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون^(۱)

دکتر زاله رفاهی^(۲)

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دکتر باقر ثنائی ذاکر

استاد دانشگاه تربیت معلم

دکتر عبدالله شفیع آبادی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسن پاشا شریفی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مطالعه و مقایسه ملاک‌های همسرگزینی در موقعیت هنگام ازدواج و اکنون پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج بر روی نمونه‌ای از خانواده‌های شهر شیراز انجام شده است. نمونه انتخابی شامل ۱۰۸۶ نفر (۵۴۳ زوج) بود که از طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه اولویت‌بخشی ملاک‌های همسرگزینی محقق ساخته (۲۲ سؤالی) با اعتبار آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و روایی سازه با قدرت تبیین ۷۵ درصد واریانس کل در دو بعد محتوایی و فرآیندی بود. به منظور کسب اطلاعات مورد نیاز از نمونه مورد مطالعه، پرسشنامه فوق به همراه یک پرسشنامه خصوصیات فردی و خانوادگی جهت پاسخگویی در اختیار آنها قرار داده شد. نتایج نشان داد که زنان بیش از مردان در همسرگزینی به ملاک‌های محتوایی توجه دارند. بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون پس از گذشت حداقل ۵ سال، در

۱. این مقاله برگرفته از موضوع پژوهشی رساله‌ی دکتری در رشته مشاوره با عنوان «مطالعه ملاک‌های همسرگزینی و رابطه این ملاک‌ها با عملکرد خانواده به منظور ارائه مدلی برای ارزیابی خانواده» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات می‌باشد.

E-mail: zrefahi2000@yahoo.com

۲. نویسنده مسؤل.

هر دو جنس رابطه وجود دارد. همچنین بین ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی و تعامل سن، سطح تحصیلات و شغل در مردان و بین ملاک‌های محتوایی و فرآیندی همسرگزینی و خصوصیات جمعیت‌شناختی زنان رابطه وجود دارد. واژگان کلیدی: ملاک‌های همسرگزینی، ازدواج

مقدمه

ازدواج یک سنت فطری و الهی است که از دیرباز وجود داشته و تمامی شرایع و قوانین آن را ترغیب کرده‌اند. ازدواج، قراردادی است که به موجب آن، زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند. اما آنچه از خود ازدواج مهم‌تر به شمار می‌رود موفقیت در ازدواج یا سازگاری در بین زوج‌ها است (برادبری^(۱) و همکاران، ۲۰۰۰). سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن، زن و شوهر در بیش‌تر مواقع احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت‌بخش در بین زوج‌ها از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل ارزیابی است (سینها^(۲) و همکاران، ۱۹۹۰). سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. سازگاری زناشویی سنگ زیربنای عملکرد خانواده است. ایفای نقش والدینی را آسان می‌سازد (کمینک^(۳) و همکاران، ۱۹۹۷)، عمر زن و شوهر را طولانی می‌کند (کومبز^(۴)، ۱۹۹۱) و باعث افزایش سلامتی (دمو^(۵) و همکاران، ۱۹۹۶) و توسعه اقتصادی (ویت^(۶)، ۱۹۹۷) و رضایت بیش‌تر از زندگی (نوک^(۷)، ۱۹۹۵) می‌شود. دستیابی به سازگاری زناشویی، مستلزم وجود مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و اطلاعات در جهت موفقیت ازدواج است. ازدواج‌هایی موفق هستند که در آن ملاک‌های انتخاب به درستی رعایت شده باشند و طرفین از ملاک‌های خود، آگاهی و تعریف روشنی داشته باشند. انتخاب همسر جزئی از مراحل رشد روانی انسان محسوب می‌شود (کاپلان^(۸) و همکاران، ۱۹۹۸) و امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد (برنشتاین و همکاران، ۱۳۷۷).

ازدواج به عنوان مهم‌ترین رفتار اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و کسب

1. Bradbury

2. Sinha

3. Cumming

4. Coombs

5. Demo

6. Waite

7. Nock

8. Kaplan

امنیت همواره مورد تأیید بوده است. پایه‌های اساسی خانواده را پیوند مقدس و سنت دیرینه‌ی ازدواج تشکیل می‌دهد. بنابراین، برای تشکیل یک خانواده خوب بی‌شک انتخاب همسر امر مهمی تلقی می‌شود. واضح است این امر همیشه موفقیت‌آمیز نیست و انتخاب صحیح فردی با نگرش‌ها و ارزش‌های مشابه سخت است. احساس نیاز به زندگی بهتر و کاملتر انگیزه اصلی اقدام به ازدواج و تشکیل خانواده است که در نقاط مختلف تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و آموزشی خاص آن منطقه قرار می‌گیرد. آنچه مسلم است همه افرادی که اقدام به این امر مهم می‌نمایند، هدفی جز خوشبختی و کامروایی و نهایتاً دستیابی به موفقیت بیشتر ندارند. اما همه ما از طریق روزنامه‌ها، مجله‌ها و یا رسانه‌های سمعی و بصری با مسائلی همچون مشکلات خانوادگی، تعارضات زناشویی، زوج‌های در حال جدایی و یا آمار فرآیندهای طلاق و از این قبیل مسائل آشنایی داریم!! علت این مشکلات چه می‌تواند باشد؟! یا اینکه چنین مشکلاتی چرا تا این حد مورد توجه قرار گرفته‌اند و به ساختار خانواده تا این حد اهمیت داده می‌شود؟!

بزرگترین تحول ساختاری در خانواده ایرانی در چند دهه اخیر، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای شهرنشین بوده است. این تغییرات بنیادین تأثیرات خود را در همه زمینه‌های ممکن، نظیر انتخاب همسر، نحوه ارتباطات اعضای خانواده با یکدیگر، اهمیت عاطفی اعضای خانواده برای هم، معنی و مفهوم مقوله خانواده، عملکرد اقتصادی خانواده و نیز نقش جنسیت‌ها بر جای گذارده است. برای اینکه بتوانیم ساختارهای متفاوت خانواده را در فرهنگ و نظام اجتماعی که به آن وابسته‌ایم، بررسی کنیم، الگوهای فکری، سنتی، فرهنگی و مذهبی را باید بشناسیم چرا که تک تک این الگوها، به نوعی در شکل‌گیری ساختار خانواده در جامعه مؤثر می‌باشد. جامعه ایرانی از مختصات ویژه‌ای برخوردار است. همپوشی مذهب با سایر زمینه‌های سیاسی، اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی، برجستگی نقش‌های جنسیتی و رشد پرشتاب تغییرات سیاسی و اجتماعی و گذر تاریخی از سنت به مدرنیته، ملت ما را در جریان خیل عظیمی از آرمان‌ها و بایسته‌هایی قرار می‌دهد که از کودکی در وجود آنها نهادینه می‌شود. گستردگی و تنوع این آرمان‌ها و بایسته‌ها در جامعه ما، نقش خانواده، چگونگی تشکیل آن، توجه به ملاک‌های انتخاب همسر و ساخت ابزار سنجش را پررنگ‌تر می‌سازد.

ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است، خانواده با پیوند زناشویی شکل می‌گیرد و تداوم و

بقای آن نیز بستگی به تداوم و بقای پیوند زناشویی دارد. ازدواج به عنوان مهمترین و عالی ترین رسم اجتماعی، برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین ازدواج و بهزیستی^(۱) یک رابطه قوی وجود دارد (داینر^(۲)، گوم^(۳)، سو^(۴) و اویشی^(۵)، ۲۰۰۰). علیرغم اینکه ازدواج رضایت‌بخش یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه محسوب می‌شود ولی چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی شرایط نامساعدی برای ارضای نیازهای روانی زوج‌ها ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد بلکه اثرات منفی و گاهی جبران‌ناپذیری را به جای می‌گذارد، به طوری که اختلالات عصبی، افسردگی و خودکشی از پیامدهای اختلالات خانوادگی می‌باشند. به اعتقاد (ویزمن^(۶)، شلدون^(۷)، گورینگ^(۸)، ۲۰۰۰)، بسیاری از اختلالات روانپزشکی از جمله اختلالات جسمانی، شناختی، رفتاری و استرس تحت تأثیر آشفتگی زناشویی به وجود می‌آیند، همچنین تحقیق مک‌لود^(۹) (۱۹۹۴) نشان داده است که بین آشفتگی زناشویی و اضطراب منتشر، فوبیا و حملات وحشتزدگی رابطه وجود دارد (قمرانی و همکاران، ۱۳۸۵).

با توجه به گستردگی اثرات سوء آشفتگی زناشویی بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و افزایش آمار طلاق در سال‌های اخیر، توجه به ملاک‌های همسرگزینی و یاری در امر انتخاب همسر، ضروری به نظر می‌رسد. آمار بالای طلاق در کشورهای غربی به شیوع بیش از ۵۰ درصد می‌رسد (رایس^(۱۰)، ۱۹۹۶، گلدنبرگ و گلدنبرگ^(۱۱)، ۱۹۹۸، دی^(۱۲)، ۲۰۰۳، کریچلر^(۱۳) و همکاران، ۲۰۰۱). یعنی از هر دو زوجی که برای اولین بار ازدواج می‌کنند، یک زوج آنها طلاق می‌گیرند که از مهمترین عوامل آن ناتوانی دو زوج در حل تعارض‌های زناشویی است. در کشور ما براساس آمارهای موجود میزان طلاق در سال‌های مختلف بین ۱۱ تا ۱۶ درصد در حال نوسان است که در کل حاکی از افزایش آن می‌باشد

1. Subject well-being
3. Gohm
5. Oishi
7. Sheldon
9. Mccloud
11. Goldenberg & Goldenberg
13. Krichler

2. Diner
4. Suh
6. Whisman
8. Goering
10. Rice
12. Day

(مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰).

همانگونه که ملاحظه می‌شود توجه به ازدواج و خانواده سالم در تمام جهان مورد توجه است و اگر به وضعیت کنونی خانواده در جامعه امروز ایرانی توجه کنیم متوجه می‌شویم که اینک در سال بیش از ۶۰۰/۰۰۰ ازدواج در ایران به ثبت می‌رسد. یا به عبارت دیگر بیش از ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر در سال تصمیم به ازدواج می‌گیرند. نرخ طلاق در سال ۱۳۸۲ به عدد ۱۰/۶ درصد رسیده است یا به عبارت دیگر از هر ۱۰۰۰ ازدواج ۱۰۶ مورد به طلاق منجر می‌شود. نرخ طلاق در سال ۱۳۷۵ معادل ۷/۹ درصد بوده است، یعنی در سال ۱۳۷۵ از هر ۱۰۰۰ ازدواج ۷۹ مورد طلاق گرفتند. علاوه بر رشد مثبت طلاق، جامعه کنونی ما شاهد رشد آمارهای مربوط به جرایم و دعاوی خانوادگی نیز بوده است. در سال ۱۳۷۶ تعداد ۳۷۰۸ پرونده در زمینه عسر و حرج در دادگاه‌های کشور مختومه شده است که این آمار در سال ۱۳۸۱ به ۲۳۲۶۲ پرونده افزایش پیدا کرده است که رشد مثبت ۵۲۷ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۶ تعداد ۲۵۲۱۸ پرونده در مورد الزام به تمکین در دادگاه‌های کشور مختومه شده است، این آمار در سال ۱۳۸۱ به ۴۶۸۳۲ مورد افزایش پیدا کرده است که رشد مثبت ۸۶ درصدی را نشان می‌دهد (موسوی چلک، ۱۳۸۴).

تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی نیز به نقش ملاک‌های همسرگزینی و عوامل مؤثر در تداوم ازدواج و زندگی کارآمد اشاره داشته‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: جهانگیرزاده (۱۳۷۵) در پژوهشی بر روی دانشجویان دانشگاه شیراز نشان داده است که دختران و پسران دارای ملاک‌های متفاوتی در همسرگزینی هستند. ملاک‌های با اهمیت برای زنان، اخلاق و رفتار خوش، وجود عشق و علاقه، معیارهای مذهبی مشترک، تحصیلات دانشگاهی همسر، اشتراک فرهنگی، ثبات شخصیتی و عاطفی، موقعیت اجتماعی فرد و خانواده، جاهت و زیبایی، استقلال مالی همسر آینده و امنیت شغلی. اما برای مردان این معیارها به ترتیب اهمیت عبارتند از: معیارهای مذهبی مشترک، اخلاق خوش، اشتراک فرهنگی، جاهت و زیبایی، وجود عشق و علاقه، موقعیت اجتماعی فرد و خانواده، خویشاوندی پیش از ازدواج، سلامت جسمانی، ثبات شخصیت و عاطفی، تفاهم در دیدگاه‌های سیاسی.

در تحقیقی به منظور بررسی و مقایسه معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، عابدی و فرحبخش (۱۳۷۹) به این نتایج دست یافتند:

بین پاسخگویان دختر و پسر از نظر معیارهای ازدواج وجود اختلاف سنی بین همسران، ارجحیت درآمد به موقعیت اجتماعی شغل همسر و وضعیت اشتغال همسر، ارجحیت زیبایی به ثروت، وضعیت جسمی به رشد فکری، تشابه ظاهری فرد مورد علاقه با والدین تفاوت معنادار وجود دارد. در حالیکه در مورد معیارهای موقعیت شغلی پدر همسر در مقایسه با پدر خود، تناسب رشته و مقطع تحصیلی، پایبندی به انجام فرایض دینی، ثروت به رشد فکری و اجتماعی، تناسب فکری، وجود درک متقابل، محل اشتغال و سکونت، رابطه فامیلی زوج‌ها، برقراری ارتباطات اجتماعی، میزان رشد اجتماعی، چگونگی تصمیم‌گیری در خصوص مسائل زندگی، میزان خودمحموری، رعایت حجاب و پوشش اسلامی، سازگاری با والدین خود، برخورداری از نگرش یکسان به نقش زن و مرد، متمایزسازی مرزهای خانواده، شیوه اعمال قدرت در خانواده و مدیریت دخل و خرج در خانواده اختلاف معناداری وجود ندارد.

حق‌شناس و فیروزآبادی (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی اولویت‌های انتخاب همسر و عوامل موفقیت در ازدواج گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شیراز نشان داد که ملاک‌های انتخاب همسر در مردان نتوانسته است پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رضایتمندی ازدواج باشد. اما در زنان ملاک‌های انتخاب همسر می‌تواند رضایتمندی بیشتری را در آنان به همراه داشته باشد.

در تحقیقی که توسط سامانی (۱۳۸۴) با هدف بررسی و پیشنهاد مدل نظری فرآیند - محتوایی خانواده در انتخاب همسر صورت گرفت، ۱۲۰ جوان داوطلب ازدواج و ۴۸ زن و مرد متأهل دارای مشکلات زناشویی مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج نشان داد که حدود ۸۵ درصد از ملاک‌های انتخاب همسر در جوانان ملاک‌های محتوایی است ولی در زنان و مردان متأهل دارای مشکلات زناشویی تنها ۴۰٪ ملاک‌های محتوایی (تحصیلات، شغل، سن، خانواده و...) و ۶۰٪ فرآیندی (توانایی ارتباط، ابراز عواطف، حل مسأله و تصمیم‌گیری و...) بود. این در حالی بود که زنان و مردان متأهل دارای مشکلات زناشویی ابراز داشتند، هنگام انتخاب همسر بیشتر به ملاک‌های محتوایی برای انتخاب همسر متوسل بوده‌اند و نتایج حاکی از تفاوت معناداری بین دختران و پسران جوان داوطلب ازدواج در نوع ملاک‌ها بود. در تحقیق دیگری نیز با عنوان مهمترین ملاک‌های همسرگزینی در نمونه‌ای از جوانان ایرانی که توسط سامانی (۲۰۰۷) صورت گرفته است، نتایج نشان دادند که برای زنان

مهمترین ملاک‌ها عبارتند از: عفت، پاکدامنی، مذهب، تحصیلات، ویژگی‌های خانوادگی، منابع مالی، شغل، تعهد، مهارت‌های اجتماعی و موقعیت اجتماعی در حالیکه برای مردان، ظاهر فیزیکی، نجابت، تحصیلات، ویژگی‌های خانوادگی، عفاف، مذهب، حالت‌های تشخیصی، مهارت‌های اجتماعی، خانه‌داری، تعهد و منابع، ۱۰ ملاک برتر بودند.

در تحقیق جامعی که توسط باس^(۱) (۱۹۸۹) در ۳۷ کشور جهان از جمله ایران انجام شده و به سال ۱۹۸۹ منتشر گردید، پنج معیار عمده همسرگزینی شامل درآمد، بلندپروازی، کوشش، جوانی، عفت و پاکدامنی مورد بررسی قرار گرفتند. زنان به ترتیب به درآمد، بلندپروازی و کوشش که هر سه عامل مقدمه به دست آوردن منابع و لوازم حیات می‌باشند، اهمیت بیشتری داده‌اند. از طرف دیگر مردان به جذابیت، جوانی و عفت امتیاز بالاتری دادند. از نظر سنی مردان می‌خواستند که سن زنانشان کمتر از ۲۵ سال باشد و زنان تمایل داشتند که شوهران آینده آنان کمی از آنان مسن‌تر باشد. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که زنان در انتخاب شوهران به قدرت آنان در کسب منابع اهمیت بیشتر قائل می‌گردند، در حالیکه مردان به قدرت تولید مثل در زنان اهمیت بیشتری می‌دهند. باس با بحثی در این زمینه نشان می‌دهد که زیبایی ظاهری، قد و قامت و جوانی در مسیر تاریخ بشری، معیارهای توانایی زن برای تولید مثل بوده است. اما در مورد نمونه ایرانی، در این پژوهش ۵۵ نفر (۲۸ مرد و ۲۷ زن) از ایران مورد بررسی قرار گرفته بودند. در این نمونه مردان به مسائل مادی کمتر از زنان اهمیت داده بودند و زیبایی ظاهری و فیزیکی برایشان مهمتر از زنان بوده است.

براون^(۲) (۱۹۹۴) در یک نمونه کره‌ای معیارهای ازدواج را بررسی نموده است و نشان داده است که برخلاف نظر عامه مردم و تحقیقات اندک قبلی، مردان در ملاک‌های انتخاب همسر، از زنان رمانتیک‌تراند. در اینجا منظور از رمانتیک‌تر به، جنبه‌های صمیمیت و رفتار صمیمانه اهمیت بیشتری دادن می‌باشد.

مالهاترا^(۳) (۱۹۹۱) در تحقیقی در مالزی نشان داد که زنان بیشتر به هم‌طبقه اجتماعی بودن و تحصیلات بالا داشتن برای همسر آینده خود اهمیت می‌دادند در حالیکه این دو ملاک اهمیت چندانی برای مردان نداشت. مردان نسبت به زنان نقش کمتری برای تأیید خانواده خود در انتخاب زوج قائل بودند.

1. Buss

2. Brown

3. Malhotra

در پژوهشی، کلاندر^(۱) (۲۰۰۱)، یک کارگاه آموزشی ۱۲ ساعته را برای زوجها ترتیب داد و در این کارگاه برنامه بهبودبخشی ارتباط را به زوجها آموزش داد. بعد از شرکت در کارگاه، زوجها تغییرات معناداری در مشکلات زوجی خود نشان دادند. همچنین مارکمن^(۲) و همکاران (۱۹۹۳) در پژوهشی دریافتند که آموزش برنامه بهبودبخشی می تواند روابط زوجها را بهبود بخشد و کارکردهای همسری را بهتر کند و از نارضایتی زناشویی بکاهد. وی در یک مطالعه طولی دریافت که رضایت زناشویی زوجها که در برنامه بهبودبخشی ارتباط شرکت کرده اند در ۴ تا ۵ سال بعد از پایان دوره نسبت به گروه کنترل بالاتر است.

سامانی (۲۰۰۵) براساس الگوی فرآیند خانواده^(۳) مدلی را برای سنجش تعامل درونی خانواده تشریح می کند. در الگوی فرآیند خانواده، چارچوب مفهومی برای سنجش خانواده بنا بر هفت بعد کلیدی، انجام وظیفه، ایفای نقش، ارتباط، ابراز عاطفی، درگیر بودن، کنترل، ارزش ها و هنجارها ارائه می شود (اسکینر^(۴) و همکاران، ۲۰۰۰). در این الگو تمرکز بر توانمندی ها و شایستگی و کارایی خانواده است. وی همچنین با الهام گیری از این الگو، با در نظر گرفتن سه بعد متفاوت، کنش های خانوادگی^(۵)، محتوای خانواده^(۶) و بافت اجتماعی^(۷) پیرامون آن، سیستم جامعی را تحت عنوان مدل فرآیند محتوای خانواده^(۸)، تعریف می کند. براساس این مدل، ملاک های انتخاب همسر در دو گروه ملاک های فرآیندی و ملاک های محتوایی قرار می گیرد. منظور از ملاک های فرآیندی، مجموعه کنش هایی هستند که موجب سازماندهی نظام خانواده می شوند. کنش هایی از قبیل درک دیدگاه طرف مقابل، مهارت های ارتباطی، مهارت کنار آمدن، مهارت حل مسأله، انعطاف پذیری، تحمل کردن و قاطعیت از جمله ملاک های فرآیندی هستند. منظور از ملاک های محتوایی، خصوصیتی است که فرد به همراه دارد، مانند ویژگی های دموگرافیک فردی و خانوادگی (سن، تحصیلات، شغل، درآمد)، سلامت روانی و جسمانی، قومیت و مذهب.

بنابراین آنچه از بررسی پژوهش های انجام شده داخلی و خارجی استنباط می شود و

1. Klander

2. Markman

3. Family Process Model

4. Skinner

5. Family Process

6. Family Content

7. Family Social Content

8. Family Process and Content Model

همانگونه که در بیان بعضی از پژوهش‌ها ملاحظه شد، میزان رضایت افراد از ازدواجشان که همان رضایت از انتخاب همسر و توجه به ملاک‌های مؤثر و بهینه همسرگزینی است، عامل مؤثری در افزایش کیفیت زندگی و ایفای نقش مؤثر همسری می‌باشد. بنابراین همانگونه که در آغاز گفته شد ازدواج خشت بنای خانواده است و در صورتی که بخواهیم در خانواده با مشکلات کمتر و آسیب‌های کمتری رو به رو باشیم، نیاز هست که به امر ازدواج توجه کنیم. لذا ضروری به نظر می‌رسد که براساس مدل ارائه شده فرآیند - محتوا به بررسی ملاک‌های همسرگزینی و مقایسه این ملاک‌ها در دو موقعیت هنگام ازدواج و پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج در زنان و مردان پرداخته شود تا با پاسخگویی به این سؤال: آیا بین ملاک‌های همسرگزینی زنان و مردان تفاوتی وجود دارد؟ طرحی ارائه شود تا با توجه به ملاک‌های همسرگزینی، در پیش‌بینی عملکرد خانواده و میزان موفقیت زناشویی و پیشگیری از طلاق مؤثر باشد و هم بتواند در مشاوره‌های قبل از ازدواج، برای یاری به جوانان مورد استفاده قرار گیرد.

فرضیه‌های پژوهش

- زنان بیش از مردان در همسرگزینی به ملاک‌های محتوایی توجه دارند.
- مردان بیش از زنان در همسرگزینی به ملاک‌های فرآیندی توجه دارند.
- بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون (پس از گذشت حداقل ۵ سال) در مورد زنان و مردان رابطه وجود دارد.
- بین ملاک‌های محتوایی همسرگزینی هنگام ازدواج و خصوصیات فردی (سن، میزان تحصیلات و نوع شغل) مردان رابطه وجود دارد.
- بین ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هنگام ازدواج و خصوصیات فردی (سن، میزان تحصیلات و نوع شغل) مردان رابطه وجود دارد.
- بین ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هنگام ازدواج و خصوصیات فردی (سن، میزان تحصیلات و نوع شغل) زنان رابطه وجود دارد.
- بین ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هنگام ازدواج و خصوصیات فردی (سن، میزان تحصیلات و نوع شغل) زنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

طرح پژوهش، توسعه‌ای و به روش توصیفی و علی - مقایسه‌ای با رویکرد کمی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را تمام خانواده‌های ساکن شیراز که حداقل ۵ سال از ازدواج آنان گذشته و دارای فرزند می‌باشند، تشکیل داده است. روش نمونه‌گیری بدین شرح بود که: با مراجعه به مرکز اطلاعات و آمار استان فارس، ضمن ارائه معرفی‌نامه و نسخه‌ای از طرح پژوهش، درخواست گردید تا آمار خانوارهای مورد نظر با مشخصات زیر، در اختیار گذارده شود: الف) دارای حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک. ب) دارا بودن حداقل یک فرزند. ج) دارا بودن حداقل سواد خواندن و نوشتن (پایان دوره راهنمایی تحصیلی). د) سکونت در مناطق چهارگانه آموزش و پرورش شیراز.

برای جمع‌آوری نمونه مورد نظر، با توافق اساتید راهنما و مشاور بهترین مکان مدارس دوره ابتدایی تعیین گردید، تا از والدین دانش‌آموزان آن مدارس برای تکمیل پرسشنامه استفاده شود. بدین ترتیب از بین مدارس مناطق چهارگانه شیراز در دوره ابتدایی، از هر منطقه ۳ مدرسه (برخوردار، نیمه برخوردار و محروم براساس تقسیم امکانات آموزشی سازمان آموزش و پرورش) به طور تصادفی انتخاب گردید که در مجموع ۱۲ مدرسه انتخاب شد و از بین دانش‌آموزان پایه اول تا سوم ابتدایی، از هر مدرسه ۵۰ دانش‌آموز به طور تصادفی انتخاب گردیده و از والدین آنان (۶۰۰ زوج) به عنوان خانوارهای مورد پژوهش، برای حجم نمونه استفاده شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

در این پژوهش از ۲ پرسشنامه استفاده شد:

- پرسشنامه خصوصیات جامعه‌شناختی: این پرسشنامه حاوی اطلاعات شخصی و خانوادگی شامل سن، جنس میزان تحصیلات، شغل، تاریخ ازدواج و تعداد فرزندان است.
- پرسشنامه اولویت‌بخشی ملاک‌های همسرگزینی: این پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۲۲ عبارت (ملاک) براساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ در معنای بی‌اهمیت تا بسیار مهم است که دو بعد فرآیندی و محتوایی را در انتخاب همسر بررسی می‌نماید. پرسشنامه در دو موقعیت

هنگام ازدواج و اکنون (پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج) نمره گذاری و اولویت‌بندی می‌شود. اعتبار پرسشنامه به روش محاسبه‌ی آلفای کرونباخ $\alpha = 0/87$ محاسبه گردید که نشانه اعتبار بالای پرسشنامه می‌باشد و همچنین روایی سازه پرسشنامه مذکور در کل ۲ عامل محتوایی و فرآیندی است که ۷۵ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند که حاکی از روایی قابل قبول پرسشنامه است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گردید. در سطح توصیفی از شاخص‌های مرکزی (میانگین، فراوانی و درصد) برای بررسی مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه و ملاک‌های همسرگزینی و شاخص‌های تمایل مرکزی (میان و مد) استفاده گردید. در سطح استنباطی نیز از روش‌های آماری تی مستقل برای بررسی تفاوت ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان استفاده شد. همبستگی برای بررسی تفاوت ملاک‌های همسرگزینی و خصوصیات جمعیت‌شناختی در زنان و مردان استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر با عنوان بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در خانواده‌های شیرازی، ۱۰۸۶ تن (۵۴۳ زن و ۵۴۳ مرد) که حداقل ۵ سال از آغاز زندگی مشترک آنان گذشته است، مورد بررسی قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل پرسشنامه جمعیت‌شناختی نشان داد که حداقل سن زنان و مردان گروه نمونه در هنگام ازدواج به ترتیب ۱۵ و ۱۸ سال بوده است. مردان و زنان گروه نمونه به ترتیب در دامنه سنی ۲۶ تا ۳۲ سال و ۱۹ تا ۲۵ سال اقدام به ازدواج نموده‌اند. از نظر مدرک تحصیلی گروه نمونه در هنگام ازدواج، در زنان و مردان به ترتیب دارای مدارک دیپلم، فوق دیپلم و زیر دیپلم بوده‌اند. با توجه به بررسی شغل افراد گروه نمونه، مشخص گردید که مردان به ترتیب دارای مشاغل آزاد (آن دسته از فعالیت‌هایی که تحت نظارت ارگان‌های دولتی کشوری یا لشکری به طور مستقیم انجام نمی‌شود)، نظامی (اشتغال در نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران و یا عضویت در بسیج) و فرهنگی (تمام خدمات آموزشی و اداری که توسط پرسنل آموزش و پرورش در قالب مدیر،

معاون، دفتردار، معلم، دبیر و نیروی خدمتگذار ارائه می شود) و زنان دارای مشاغل بهداشتی (اشتغال در مراکز بهداشتی - درمانی و داروخانه ها)، دانش آموز / دانشجو و خانه دار در هنگام ازدواج بوده اند.

با توجه به اینکه پرسشنامه اولویت بندی ملاک های همسرگزینی مشتمل بر ۲۲ سؤال است و دو بعد ملاک های همسرگزینی را به نام های محتوایی و فرآیندی می سنجد. جداول زیر وضعیت زنان و مردان مورد پژوهش را در این ملاک ها نشان می دهد.

جدول ۱ - میانگین و انحراف معیار ملاک های همسرگزینی در هنگام ازدواج و اکنون (حداقل پس از گذشت ۵ سال) در دو گروه مردان و زنان ($N_f = 1086$ و $N_m = 543$ و $N_t = 543$)

موقعیت ملاک ها	ملاک های فرآیندی				ملاک های محتوایی			
	مردان		زنان		مردان		زنان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هنگام ازدواج	۴۷/۷۶	۶/۲۰	۴۵/۵۳	۹/۱۶	۴۳/۷۶	۵/۸۹	۴۴/۹۵	۴/۲۷
اکنون (پس از گذشت ۵ سال)	۵۱/۹۹	۳/۱۵	۵۲/۲	۳/۲۴	۴۸/۱۷	۴/۸۱	۴۴/۵۱	۶/۶۶

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود میانگین ملاک های فرآیندی در زنان و مردان اکنون (پس از گذشت حداقل ۵ سال) به ترتیب (۵۲/۲) و (۵۱/۹۹) است که نسبت به ملاک های فرآیندی در هنگام ازدواج بیشتر می باشد. اما ملاک های محتوایی در هنگام ازدواج به ترتیب در زنان و مردان از میانگین بالاتری برخوردار است (۴۴/۹۵ و ۴۳/۷۶).

جدول ۲ - تعداد و درصد انتخاب ملاک های همسرگزینی در هنگام ازدواج و اکنون به تفکیک جنسیت ($N_f = 1086$ و $N_m = 543$ و $N_t = 543$)

موقعیت ملاک ها	ملاک های محتوایی				ملاک های فرآیندی			
	مردان		زنان		مردان		زنان	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
هنگام ازدواج	۳۳۲	۶۱/۱	۳۴۳	۶۳/۱	۳۱۵	۵۸	۳۱۴	۵۷/۸
اکنون (پس از گذشت ۵ سال)	۲۹۲	۵۳/۸	۳۷۰	۶۸/۱	۴۰۳	۵۳/۸	۳۱۸	۵۸/۶

بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در ...

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، هنگام ازدواج ۶۱/۱٪ مردان در انتخاب همسر به ملاک‌های محتوایی توجه داشته‌اند و ۶۳/۱٪ زنان نیز در انتخاب همسر به ملاک‌های محتوایی توجه داشته‌اند اما در هنگام ازدواج، توجه به ملاک‌های محتوایی در زنان و مردان تقریباً یکسان است (۶۳/۱٪ در زنان در برابر ۶۱/۱٪ در مردان) در حالیکه پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج، توجه به ملاک‌های محتوایی در انتخاب همسر در نزد مردان کاهش یافته است (۵۳/۸٪) اما در نزد زنان، ملاک‌های محتوایی در انتخاب همسر از میزان توجه بالایی برخوردار است (۶۸/۱٪).

در ادامه نتایج به دست آمده از فرضیه‌های پژوهش بررسی می‌شود:
در فرضیه اول نتایج براساس جدول ۳ نشان می‌دهد، تفاوت بین زنان و مردان با فرض نابرابری واریانس‌ها در توجه به ملاک‌های محتوایی در همسرگزینی معنادار است و دلیلی برای رد فرضیه وجود ندارد. اما چون تفاوت میانگین‌ها بسیار کم حدود ۱/۱۹ نمره است. بنابراین ضریب تعیین (ضریب اتا) محاسبه شد. ضریب اتا محاسبه شده^(۱) (مولوی، ۱۳۸۶) (۰/۰۲) به دست آمد که نشان می‌دهد ۰/۰۲ درصد واریانس نگرش این دو گروه ناشی از جنسیت می‌باشد این مقدار هر چند از لحاظ آماری معنادار است اما بسیار ضعیف است، و این می‌تواند به دلیل بالا بودن حجم نمونه باشد.

جدول ۳- بررسی تفاوت بین زنان و مردان در ملاک‌های محتوایی همسرگزینی

شاخص جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	تی	سطح معناداری	ضریب تعیین
زن	۵۴۳	۴۴/۹۵	۴/۲۷	۹۹۰/۰۰۵	۳/۸۱۶	۰/۰۰۰	۰/۰۲
مرد	۵۴۳	۴۳/۷۶	۴/۸۹				

در فرضیه دوم نتایج براساس جدول ۴ نشان می‌دهد، تفاوت بین زنان و مردان با فرض نابرابری واریانس‌ها در توجه به ملاک‌های فرایندی همسرگزینی معنادار است و دلیلی برای رد فرضیه وجود ندارد. اما چون تفاوت میانگین‌ها بسیار کم حدود ۲/۲۴ نمره است، بنابراین ضریب تعیین (ضریب اتا) محاسبه شد. ضریب اتا محاسبه شده (۰/۰۲) به دست آمد که نشان

$$۱. ضریب اتا از فرمول $r^2 = \frac{t^2}{t^2 + df}$ محاسبه می‌گردد.$$

می‌دهد ۰/۰۲ درصد واریانس نگرش این دو گروه ناشی از جنسیت می‌باشد. این مقدار هر چند از لحاظ آماری معنادار است اما بسیار ضعیف است و این می‌تواند به دلیل بالا بودن حجم نمونه باشد.

جدول ۴- بررسی تفاوت بین زنان و مردان در ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی

شاخص جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	تی	سطح معناداری	ضریب تعیین
زن	۵۴۳	۴۵/۵۳	۹/۱۶	۹۵۲/۷۹۷	۴/۷۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۲
مرد	۵۴۳	۴۷/۷۷	۶/۲۱				

در فرضیه سوم نتایج براساس جدول ۵ نشان می‌دهد بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج در زنان و مردان رابطه معنا وجود دارد. بنابراین دلیلی برای رد فرضیه وجود ندارد همانطور که ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج ($r = 0.691$) در زنان بالاتر از ضریب همبستگی در مردان است. بنابراین چون هر دو ضریب همبستگی معنادار شده است. تفاوت ضرایب همبستگی محاسبه می‌شود. معنادار بودن تفاوت دو همبستگی با تبدیل همبستگی‌های مشاهده شده به همبستگی فیشر^(۱) (شریفی، ۱۳۸۱) و انجام آزمون مربوط از نظر آماری معنادار بودن آن مقایسه شد ($z = 7.77$). بنابراین چون z محاسبه شده از ۱/۹۶ بالاتر می‌باشد، پس می‌توان گفت که تفاوت ضرایب همبستگی در زنان و مردان در ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون معنادار است.

جدول ۵- نمایش رابطه بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون در هر دو جنس

شاخص	تعداد	r	سطح معناداری	Z
زمان				
زنان	۵۴۳	۰/۶۹۱	۰/۰۰۰	۷/۷۷
مردان	۵۴۳	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	

$$1. Z \text{ فیشر از فرمول } Z = \frac{z_{r1} - z_{r2}}{\sqrt{\frac{1}{n_1 - 3} + \frac{1}{n_2 - 3}}} \text{ محاسبه می‌شود.}$$

در فرضیه چهارم نتایج نشان داد در هیچ یک از متغیرهای مورد مطالعه و اثر تعاملی آنان (F محاسبه شده) معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین میزان توجه به ملاک‌های محتوایی با توجه به خصوصیات دموگرافیک مردان در هنگام ازدواج تفاوت وجود ندارد. در فرضیه پنجم نتایج نشان داد، اثر تعاملی سن و شغل در سطح (۰/۰۲۴) معنادار است. بنابراین می‌توان گفت تعامل سن و شغل در توجه مردان به ملاک‌های فرآیندی در همسرگزینی مؤثر است. به منظور تبیین تأثیر تعاملی متغیرهای معنادار آزمون تعقیبی توکی به عمل آمد که نتیجه آن نشان داد تأثیر میزان تحصیلات در دو مقطع تحصیلی کارشناسی و تحصیلات کارشناسی ارشد بیش از سایر مقاطع تحصیلی است. به عبارت دیگر مردان با میزان تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بیش از سایر مردان با سایر مدارک در همسرگزینی به ملاک‌های فرآیندی توجه می‌نمایند.

در فرضیه ششم نتایج حاصله نشان داد اثر تعاملی شغل و میزان تحصیلات در سطح (۰/۰۰۰) و اثر تعاملی شغل، سن و میزان تحصیلات در سطح (۰/۰۳۱) معنادار است. بنابراین می‌توان گفت تعامل سن و میزان تحصیلات بر توجه به ملاک‌های محتوایی و تعامل سن، میزان تحصیلات و شغل بر توجه بر ملاک‌های محتوایی در زنان مؤثر است. در واقع بین این متغیرها (تعامل، سن، میزان تحصیلات و شغل) و توجه به ملاک‌های همسرگزینی در بعد محتوایی رابطه وجود دارد.

به منظور تبیین تأثیر تعاملی متغیرهای معنادار آزمون تعقیبی توکی به عمل آمد که نتیجه آن نشان می‌دهد تأثیر نوع شغل در مشاغل آزاد که شامل خیاطی، آرایشگری و... بیش از سایر مشاغل است. به عبارت دیگر زنان با مشاغل آزاد بیش از سایر زنان با سایر مشاغل در همسرگزینی به ملاک‌های محتوایی توجه می‌نمایند.

در فرضیه هفتم نتایج نشان می‌دهد، تأثیر شغل بر توجه به ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی در زنان در سطح (۰/۰۳۶) و تأثیر تعاملی سن و میزان تحصیلات در سطح (۰/۰۳۸) معنادار است. بنابراین می‌توان گفت بین شغل و تعامل سن و میزان تحصیلات زنان و توجه آنان به ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی رابطه وجود دارد. به منظور تبیین تأثیر تعاملی متغیرهای معنادار آزمون تعقیبی توکی به عمل آمد که نتیجه آن نشان می‌دهد تأثیر میزان تحصیلات در دو مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بیش از سایر مقاطع تحصیلی است. به عبارت دیگر زنان با میزان تحصیلات کارشناسی ارشد بیش از سایر زنان با سایر مدارک در همسرگزینی به ملاک‌های فرآیندی توجه می‌نمایند.

بحث و نتیجه گیری

آنچه در زیر مورد بحث قرار می گیرد دلایل و مستندات است که مربوط به قبول و یا رد فرضیه های مربوط به پژوهش حاضر می باشد.

نتایج حاصله از آزمون فرضیه اول نشان می دهد که زنان بیش از مردان در همسرگزینی به ملاک های محتوای توجه دارند ($t = 3/816$, $p < 0/000$). این نتیجه با یافته های جهانگیرزاده (۱۳۷۵)، سامانی (۱۳۸۴ و ۲۰۰۷) همسو است. به طوری که ملاک های مورد نظر زنان در همسرگزینی شامل تحصیلات دانشگاهی، اشتراک فرهنگی - اجتماعی، شغل، درآمد و قومیت یکسان است. در حالیکه مردان به ملاک هایی همچون ابراز عشق و علاقه، ثبات عاطفی و توانایی ارتباطی خوب توجه بیشتری نشان می دهند. لازم به ذکر است که معناداری تفاوت بین زنان و مردان در توجه به ملاک های محتوایی همسرگزینی می تواند نشان از توجه زنان به بالابودن موقعیت مرد نسبت به زن باشد و شاید این مسأله ریشه در باورهای تاریخی ناشی از تفکر مردسالاری داشته باشد. وقتی قرار است مردسالار باشد، پس باید از هر نظر بالاتر از زن باشد تا هم اطاعت آسانتر شود هم دستور دادن و اعمال قدرت. نتایج حاصله از آزمون فرضیه دوم نشان می دهد که مردان بیش از زنان در همسرگزینی به ملاک های فرآیندی توجه دارند ($t = 4/712$, $p < 0/000$). این نتیجه با یافته های زکی (۱۳۷۷)، فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳)، سامانی (۱۳۸۴ و ۲۰۰۷) همسو است. با توجه به نتایج به دست آمده، عواملی همچون داشتن روابط خوب و حسنه، مراودات سالم کلامی و غیرکلامی از قبیل با هم بودن، خندیدن و شاد بودن، داشتن تفاهم در زمینه تصمیم گیری های مختلف، داشتن تبادل افکار و هدف و آرزوها، رعایت آداب زندگی و چگونگی روابط اجتماعی، از جمله عواملی هستند که در بین مردان توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. به طور کلی ملاک های فرآیندی آن چیزی است که باعث بالا رفتن تعادل و قدرت سازگاری زن و شوهرها می گردد، مهربانی و صمیمیت را افزایش می دهد و این یافته ها به نوعی قابل مقایسه با یافته های براون (۱۹۹۴) در پژوهش بر روی نمونه غیرایرانی است که در آن نمونه مرد را رمانتیک تر یا عاشق تر از نمونه زن در انتخاب همسر یافته بود. شاید این مسأله ریشه در تمایل مردان به داشتن زندگی آرام و بدون هیاهو و حتی مکانی برای گریز از خستگی ها، فشارها و استرس های زندگی برون از خانه داشته باشد. مردان انتظار دارند، همسرانشان در بیان مسائل و چگونگی ابراز هیجان خود، مهارت داشته و با ظرافت و هنرمندی خواسته

خود را بیان نمایند و موقعیت سنج باشند نه آنکه بدون مهارت و آنی، هر آنچه را در دل دارند و می‌بینند بازگو نمایند.

نتایج حاصله از فرضیه سوم نشان می‌دهد که ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون (پس از گذشت حداقل ۵ سال) در مورد زنان و مردان با یکدیگر رابطه دارد ($r_M = 0/181$, $r_F = 0/691$). همانگونه که ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون (پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج) زنان ($P < 0/000$, $r_F = 0/691$) بالاتر از همبستگی بین ملاک‌های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون در مردان ($P < 0/000$, $r_M = 0/181$) است. چون هر دو همبستگی معنادار شده است، تفاوت معناداری دو همبستگی از طریق محاسبه Z فیشر نیز نشان داد ($Z = 7/77$) که در زنان ملاک‌های همسرگزینی در قبل از ازدواج و اکنون (پس از گذشت حداقل ۵ سال از ازدواج) همبسته است. این یافته‌ها با یافته‌های سامانی (۱۳۸۴ و ۲۰۰۷)، همسو است. دختران در زمان خاصی تصمیم به ازدواج می‌گیرند و برای رهایی از وضعیت موجودشان، با الگوگیری از ازدواج نزدیکان و خویشان خویش، در پی یافتن همسری ایده‌آل همانند آنان برمی‌آیند. بنابراین همانگونه که در فرضیه‌های قبلی نیز نشان داده شد بیشتر ملاک‌های محتوایی در انتخاب دختران نقش دارد و این وضعیت با توجه به تعارضات و مشکلات زندگی همچنان حفظ می‌شود، به طوریکه در نگاه دختران توجه به مسائل و ملاک‌های انتخابی همچون شغل، درآمد، تحصیلات، خانواده، جذابیت ظاهری و... که از جمله ملاک‌های محتوایی هستند از اهمیت بیشتری برخوردار است و این یافته با یافته تحقیقات پیشین از جمله باس، (۱۹۸۹)؛ حق‌شناس و فیروزآبادی، (۱۳۸۴)؛ نیز همسویی دارد. اما تحقیق سامانی (۲۰۰۷) نشان داده است که ملاک‌های همسرگزینی در خانواده‌ها بعد از گذشت سالیانی از زندگی مشترکشان تغییر یافته و عمدتاً به ملاک‌های فرآیندی توجه بیشتری نشان می‌دهند که این مورد در فرضیه مورد نظر ما تأیید نشده است و همبستگی بین ملاک‌ها در قبل از ازدواج و اکنون به ویژه در زنان معنادار و بالاست. در تبیین این یافته می‌توان گفت: زنان به سازگاری بیشتر و حفظ شرایط موجود در زندگی تن می‌دهند و به دلیل عدم آگاهی از حقوق خود و پذیرش نقش دوم بودن در خانواده، به حفظ عقاید گذشته خود، پای‌بند می‌مانند و تنوع‌طلبی کمتری در رفتار خانوادگی نشان می‌دهند. زنان همچنین به دلیل پای‌بندی به اعتقادات شخصی و باور بر اینکه سرنوشت تعیین‌کننده مسیر زندگی آنان است در پی تغییر کمتر

برمی آیند و سعی در حفظ وضعیت موجود دارند و به همین دلیل تنوع رفتاری کمتری دارند و تا نهایت آستانه تحمل خود تعارضات و فشارهای زندگی مشترک را تحمل می نمایند ولی مردان، با اعتماد به نفس بیشتری در پی احقاق حقوق خود برمی آیند، خواسته ها و انتظارات خود را مطرح می کنند و انتخاب و همسرگزینی خود را به بوته آزمون می گذارند و در طی زندگی مشترک، تغییر دیدگاه های خود را بارها عنوان نموده و مطرح ساخته و حتی در صدد دستیابی به ملاک های جدید خود برمی آید (مک کارتی و همکاران، ۲۰۰۴).

در آزمون فرضیه چهارم نتایج نشان می دهد که بین میزان توجه به ملاک های محتوایی با توجه به خصوصیات جمعیت شناختی مردان در هنگام ازدواج رابطه ای وجود ندارد. در واقع این نتیجه بدین معناست که مردان در هر سن و با هر نوع میزان تحصیلات و نوع شغل به ملاک های محتوایی همسرگزینی توجه دارند. سن، جذابیت ظاهری، قومیت یکسان، شغل، تحصیلات، موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده و... از جمله ویژگی های ملاک های محتوایی که مورد توجه مردان بوده است و این یافته با مطالعات حق شناس و فیروزآبادی (۱۳۸۴)؛ باس (۱۹۸۹) و جهانگیرزاده (۱۳۷۵) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان گفت توجه مردان به ملاک های محتوایی می تواند نشان از این باشد که مردان در انتخاب همسر به توانایی زنان در کدبانو و مادر بودن اهمیت می دهند. باس با بحثی در این زمینه نشان می دهد که زیبایی ظاهری، سلامت جسمانی - روانی و اصالت خانوادگی در مسیر تاریخ بشری، معیارهای توانایی زن برای تولید مثل و کدبانوگری بوده است.

نتایج آزمون فرضیه پنجم نشان می دهد که تعامل سن و نوع شغل ($F = 1/98$ ، $p < 0/024$) معنادار است. یا به عبارتی هرچه سن و میزان تحصیلات و بالطبع شغل در مردان بالاتر می رود توجه آنان به ملاک های فرآیندی در انتخاب همسر که همان خصوصیات و مهارت های لازم برای ایجاد سازگاری و تعادل در زندگی است بیشتر می شود. انجام آزمون تعقیبی توکی حاکی از این است که مردان با مشاغل نظامی و در سنین بالای ۴۰ سال به ملاک های فرآیندی بیشتر توجه نشان می دهند و این توجه در مردان با مشاغل آزاد و پزشکی کمتر از سایر مشاغل است نتیجه حاصله با پژوهش سامانی (۱۳۸۴) و (۲۰۰۷) همخوانی دارد، اما پژوهشی که به مسأله سن و نوع مشاغل در همسرگزینی پرداخته، دیده نشد. پژوهش حق شناس و فیروزآبادی (۱۳۸۴) نیز نشان داد که مردان در سنین پایین به محبت، گرمی روابط بیش از سایر مؤلفه ها توجه دارند و این خود باعث رضایت بیشتر

زناشویی می‌شود که با یافته پژوهش حاضر ناهمخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت مردان با مشاغل نظامی به دلیل نوع شغل و استرس شغلی بیش از سایر مشاغل با واقعیت جامعه امروزی مواجه هستند و نیاز به شریک زندگی دارند که بتواند احساسات و عواطف آنان را درک نموده و همراه آنان در حل مسائل زندگی باشد و بالا رفتن سن نیز به دلیل شرایط اجتماعی موجود امکان تجزیه و لذت را برای انسان فراهم نموده است و آنان در این سنین فقط به آرامش می‌اندیشند و خواهان فردی هستند که آنان را درک نموده و با درک همدلانه آنان را یاری دهد.

نتایج آزمون فرضیه ششم نشان می‌دهد که تعامل میزان تحصیلات و نوع شغل ($F=4/668, p<0/000$) و تعامل سن، نوع شغل و میزان تحصیلات در سطح ($F=2/002, p<0/031$) معنادار است. انجام آزمون تعقیبی توکی حاکی از این است که زنان با مشاغل آزاد و خانه‌دار با داشتن تحصیلات دیپلم و لیسانس در سنین بالای ۲۲ سال به ملاک‌های محتوایی در همسرگزینی بیشتر توجه دارند. نتیجه حاصله با مطالعات فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳)؛ حق‌شناس و فیروزآبادی (۱۳۸۴)؛ باس (۱۹۸۹) و زکی (۱۳۷۷) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت زنانی که خانه‌دار هستند و یا دارای شغل آزاد هستند که عموماً در نمونه پژوهش شامل مشاغل فصلی مثل خیاطی، آرایشگری و... هستند، در همسرگزینی به ملاک‌های محتوایی همسر توجه دارند. در واقع تمایل دارند با فردی ازدواج نمایند که تأمین‌کننده مخارج آنان باشد و از حیث توانایی اقتصادی، ثبات شغلی در سطح مطلوبی باشد و سن بالای ۲۲ سال نیز به دور از هیاهو و شور بلوغ جوانی با مصلحت‌اندیشی به همسرگزینی و فرآیند انتخاب توجه دارند. بنابراین توجه به ملاک‌های محتوایی در اولویت قرار می‌گیرد.

نتایج آزمون فرضیه هفتم براساس تحلیل واریانس حاکی از معناداری تعامل سن و میزان تحصیلات ($F=1/939, p<0/038$) و نوع شغل در سطح ($F=2/404, p<0/038$) است. انجام آزمون تعقیبی توکی حاکی از این است که زنان با هرگونه شغلی به ملاک‌های فرآیندی بیشتر توجه دارند. همچنین زنان در سنین بزرگسالی بالای ۳۰ سال و با بالا رفتن میزان تحصیلات به ملاک‌های فرآیندی در انتخاب توجه بیشتری دارند. نتیجه حاصله با مطالعات فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳)؛ حق‌شناس و فیروزآبادی (۱۳۸۴)؛ مالهاترا (۱۹۹۱)؛ و زکی (۱۳۷۷) همخوان و با یافته‌های باس (۱۹۸۹) در خصوص نمونه ایرانی ناهمخوان است. در

تبیین این یافته می توان گفت زنان هرچند که اشتغال دارند و تا حدی نیازهای روانی خود را از طریق اشتغال ارضا می نمایند، اما به داشتن مراودات لذت بخش و ارتباط های کلامی و غیرکلامی در زندگی خود نیز اهمیت می دهند و مایلند همسرشان دارای مهارت های لازم برای تعادل بخشی به زندگی باشند. از طرف دیگر بالا رفتن سن و میزان تحصیلات به طور همزمان باعث تغییر در نگرش آنان و آگاهی یافتن از مهارت های مورد نیاز برای مقابله با مشکلات و ایجاد تعادل و سازندگی در زندگی توجه به ملاک های فرآیندی همسرگزینی در طول دوران زندگی مشترک بیشتر و با اهمیت تر می گردد.

بنابراین اگر دختران و پسران در هنگام انتخاب همسر به ملاک های فرآیندی که شامل مجموعه کنش هایی است که باعث تعادل و سازگاری در زندگی می شود و در برگیرنده مهارت هایی خاص از جمله مهارت های ارتباطی، مهارت های مقابله، حل مسأله و تصمیم گیری، مهارت همدلی و درک متقابل و... می باشد، توجه نمایند، می تواند توان روانی - اجتماعی آنان افزایش یافته در نتیجه در طول زندگی مشترک و در رویارویی با تعارضات، مشکلات مسائل روزمره به نحو مطلوب تری برخورد نموده و همچنین با آگاهی به فنون برقراری ارتباط مناسب و مؤثر، دارا بودن قدرت ابرازگری عاطفی، در بیان نظرات، عقاید و احساس های خود به شیوه مؤثر عمل نمایند. دارا بودن این مهارت ها و توجه به ملاک های فرآیندی، باعث بالا رفتن اعتماد به نفس و تعامل شفاف و روشن بین زن و شوهر می گردد و در نهایت آنان را قادر می سازد که در تمامی سطوح زندگی خانوادگی با تشریک مساعی و تعیین راه حل های توافقی و همدلانه با موقعیت های مختلف زندگی خود برخورد نمایند و این خود می تواند در بالا بردن میزان رضایت از زندگی و موفقیت در ازدواج مؤثر باشد و خانواده دارای عملکرد مناسبی گردد به طوری که بتوان از آن به عنوان خانواده کارآمد نام برد. خانواده اساس و شالوده زندگی فردی و اجتماعی است و هسته اصلی خانواده زن و شوهر هستند. هرگونه تلاش برای استحکام بخشی روابط زوج ها و صیانت آنها از آسیب های احتمالی و به ویژه ناسازگاری زناشویی، ارزشمند و قابل تقدیر است. در حال حاضر کمک به ازدواج و خانواده یکی از نیازهای ضروری جامعه ما (ایران) قرار گرفته است. لذا توجه به ملاک های موفقیت در همسرگزینی لازم است و علاوه بر آن آموزش بهداشت روانی فردی و خانوادگی نیز می بایست مد نظر قرار گیرد. متون نظری مختلف در باب فرآیند مشاوره قبل از ازدواج گفته اند: می بایست استقلال روانی و شخصیتی، ارتباط مراجعان با

خانواده اصلی و نقش آنان در زندگی روزمره ایشان، وضعیت اقتصادی - اجتماعی (شغل؛ درآمد؛ تحصیلات)، شیوه فرزندپروری و مسائل جنسی مورد پرسش و در صورت لزوم آموزش قرار گیرد (ثنائی ذاکر، ۱۳۷۵).

اما دیده شده که با توجه به آنچه به عنوان پایه و اساس انتخاب مطرح می‌گردد و همسرگزینی براساس آن شرایط صورت می‌گیرد، همسران در روابط خود دچار مشکل و سردرگمی شده‌اند. پژوهش‌ها نشان داده است که ضعف مهارت‌ها از جمله مهارت اداره خویشتن که در برگیرنده ابراز عواطف، حل مسأله و تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری و مهارت ارتباط با دیگران از جمله مهارت‌های مذاکره و گفتگو، حل تعارض، مدیریت زمانی - مالی و همدلی است از عوامل مهم نارضایتی از ازدواج و ایجاد تعارض در زندگی است (کارلسون و همکاران، ۱۳۸۴).

این یافته‌ها می‌تواند تبیین‌کننده وجود دو دسته ملاک در همسرگزینی باشد که در این پژوهش از آنان به عنوان ملاک‌های محتوایی و فرآیندی نام برده شد. بنابراین با بررسی ملاک‌های همسرگزینی مراجعان می‌توان آنان را در امر انتخاب همسر یاری داد و به آنان یادآور شد که وقتی دختران و پسران در هنگام ازدواج به ملاک‌های فرآیندی توجه می‌نمایند که در رأس این ملاک‌های فرآیندی، مهارت ارتباطی وجود دارد، قار خواهند بود ارتباط عاطفی خود را افزایش و بهبود بخشند. محبت و حمایت آنها نسبت به یکدیگر افزایش پیدا کرده و همدلی و خودافشاگری در آنها زیادتر می‌شود، در این حالت آنها می‌توانند به صورتی راحت‌تر و بدون نگرانی با یکدیگر صحبت کنند. در عین حال می‌توانند راحت‌تر به یکدیگر محبت کرده و در مواقع سختی از یکدیگر حمایت کنند. همچنین می‌توانند موضوعات و مسائل خاصی را که در روابطشان مشکل ایجاد می‌کند مورد صحبت قرار دهند و حل کنند و از ارتباط با یکدیگر لذت ببرند و در نتیجه، عملکرد کارآمد و مناسبی در خانواده شکل دهند. البته لازم به ذکر است که توجه به نظام ارزشی همسران در انتخاب همسر و سعی در ایجاد تفاهم در نظام اعتقادی و ارزشی نیز تضمین‌کننده ثبات و پایداری زندگی خانوادگی و رضایت از آن می‌باشد.

پیشنهاده‌ها

- به جوانان در آستانه ازدواج، لازم است توصیه شود، همسری را انتخاب نمایند که علاوه بر

جذابیت ظاهری و مورد پسند بودن آنان دارای ملاک‌های فرآیندی نیز باشد. درواقع با مطالعه و یادگیری کسب دانش کافی درباره ملاک‌های همسرگزینی به وجود ملاک‌های فرآیندی در انتخاب همسر به عنوان گزینه‌ای مهم توجه نمایند.

- شیوه‌ها و مهارت‌های مختلف برای تفاهم با همسر به افراد آموزش داده شود. تفاهم به خودی خود ایجاد نمی‌شود و برای ایجاد آن مهارت‌هایی لازم است که مناسب است قبل از ازدواج یا در طول یکسال اول زندگی آموزش داده شود.

- عوامل مؤثر بر موفقیت ازدواج براساس ملاک‌های انتخاب به عناصر ریزتری تجزیه شده و شیوه‌های ارزیابی آنها فراهم شود.

منابع

- برنشتاین، الف. اچ. و برنشتاین، ام. تی. (۱۳۷۷). شناخت و درمان اختلالات‌های زناشویی (زناشویی درمانی). ترجمه ح. ر. سهرابی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۷۵). ازدواج، انگیزه‌ها و پرتگاه‌ها و سلامت آن. مجله پژوهش‌های تربیتی، دانشگاه تربیت معلم، جلد ۴، شماره ۳ و ۴.
- جهانگیرزاده، ج. (۱۳۷۵). بررسی زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شیوه‌های همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حق شناس، ح. و فیروزآبادی، ع. (۱۳۸۴). بررسی اولویت‌های انتخاب همسر و عوامل موفقیت در ازدواج در گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شیراز. مجموعه مقالات هفتمین کنگره روانپزشکی و روانشناسی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید بهشتی.
- زکی، م. ع. (۱۳۷۷). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و موانع ازدواج دانشجویان. تهران: طب و تزکیه. ویژه‌نامه بهداشت روانی و ازدواج. صص ۷۱-۶۵.
- سامانی، س. (۱۳۸۴). مدل فرآیندی - محتوایی خانواده در انتخاب همسر. مجموعه مقالات هفتمین کنگره پژوهش‌های روانپزشکی و روانشناسی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید بهشتی.
- عابدی، د. و فرحبخش، ک. (۱۳۷۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. طب و تزکیه، زمستان ۷۹، شماره ۳۹.

جذابیت ظاهری و مورد پسند بودن آنان دارای ملاک‌های فرآیندی نیز باشد. درواقع با مطالعه و یادگیری کسب دانش کافی درباره ملاک‌های همسرگزینی به وجود ملاک‌های فرآیندی در انتخاب همسر به عنوان گزینه‌ای مهم توجه نمایند.

- شیوه‌ها و مهارت‌های مختلف برای تفاهم با همسر به افراد آموزش داده شود. تفاهم به خودی خود ایجاد نمی‌شود و برای ایجاد آن مهارت‌هایی لازم است که مناسب است قبل از ازدواج یا در طول یکسال اول زندگی آموزش داده شود.

- عوامل مؤثر بر موفقیت ازدواج براساس ملاک‌های انتخاب به عناصر ریزتری تجزیه شده و شیوه‌های ارزیابی آنها فراهم شود.

منابع

- برنشتاین، الف. اچ. و برنشتاین، ام. تی. (۱۳۷۷). شناخت و درمان اختلافات‌های زناشویی (زناشویی درمانی). ترجمه ح. ر. سهرابی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۷۵). ازدواج، انگیزه‌ها و پرتگاه‌ها و سلامت آن. مجله پژوهش‌های تربیتی، دانشگاه تربیت معلم، جلد ۴، شماره ۳ و ۴.
- جهانگیرزاده، ج. (۱۳۷۵). بررسی زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شیوه‌های همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- حق‌شناس، ح. و فیروزآبادی، ع. (۱۳۸۴). بررسی اولویت‌های انتخاب همسر و عوامل موفقیت در ازدواج در گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شیراز. مجموعه مقالات هفتمین کنگره روانپزشکی و روانشناسی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید بهشتی.
- زکی، م. ع. (۱۳۷۷). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و موانع ازدواج دانشجویان. تهران: طب و تزکیه. ویژه‌نامه بهداشت روانی و ازدواج. صص ۷۱-۶۵.
- سامانی، س. (۱۳۸۴). مدل فرآیندی - محتوایی خانواده در انتخاب همسر. مجموعه مقالات هفتمین کنگره پژوهش‌های روانپزشکی و روانشناسی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی شهید بهشتی.
- عابدی، د. و فرحبخش، ک. (۱۳۷۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. طب و تزکیه، زمستان ۷۹، شماره ۳۹.

فتحی آشتیانی، ع. و احمدی، خ. (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان، دانشور رفتار، دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال یازدهم، دوره جدید، شماره ۷.

قمرانی ا. و جعفر طباطبایی، س. (۱۳۸۵). بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت. فصلنامه تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره، جلد ۵، شماره ۱۷.

کارلسون، ج؛ اسپری، ل. و لویس، ج. (۱۳۸۴). خانواده درمانی تضمین درمان کارآمد. ترجمه ش. نوابی نژاد. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). سالنامه آماری ایران. تهران.

موسوی چلک، س. ح. (۱۳۸۴). مجموعه تحلیل‌های آماری مسائل اجتماعی ایران. ازدواج و طلاق. نشر شلاک.

مولوی، ح. (۱۳۸۶). راهنمای عملی ۱۴ - ۱۳ - ۱۰ SPSS در علوم رفتاری. اصفهان: پیویش. اندیشه.

Bradbury, T.N.; Fincham, F.D. & Beach, S.R.H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction. *Journal of Marriage and Family*.

Brown, R.A. (1994). Romantic love and spouse selection criteria of male and femal Korean college students. *Journal of Social Psychology*, 134, 183-189.

Buss, D.M. (1989). Sex difference in human mate preference: Evolutional hypothesis tested in 37 Cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, 12, 1-14.

Coombs, R. (1991). Marital status and personal well Being: A literature Review. *Family Relations*, 40, 97-102.

Cumming, S.M.; Watson, A. & Oreilly, C. (1997). *Fathers in family context: Effects of marital quality on child adjustment invole of the father in child development*. Edited by Michael. E. Lamb. John Wiley and Sons. New York.

Day, R. (2003). *Introduction to Family Processes*. London, Lawerence Erlbaum association. Inc. publisher.

Demo, D.H. & Alan, C.A. (1996). Single hood Marriage and Remarriage The

- effects of family structure and family relationships on mothers "well Being". *Journal of Family*, 17, 386-407.
- Diner, E.; Gohm, C.L.; Suh, M. & Oishi, S. (2000). Similarity of the relation between marital status and subjective well-Being across cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 31, 419-439.
- Goldenberg, H. & Goldenberg, I. (1998). *Family Therapy: An overview*. (4th Ed). Brooks/ cole Publishing. Co.
- Kaplan. & Sadock, S. (1998). Synopsis of psychiatr behavioral science/ clinical psychiatry eighth edition, Williams and Wilkins.
- Klander, A.K.A. (2001). Individual/ Family Client Systems Clinical Activities. *Family Psychology*, 90, 105-163.
- Krichler, E.; Rodler, C.; Holzl, E. & Meier, K. (2001). *Conflict and decision in close relationship, love, mney and daily routine*. New York. Psycholgy Press.
- Malhotra, A. (1991). *Gender and Changing Generational Relations: Demography*, 28, 549-560.
- Markman, H.J.; Renick, M.J. & Clements, M. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4 and 5 year Follow-up. *Journal of Counseling and Clinica Psychology*, 61, 70.
- McCarthy, B. & McCarhy, F.J. (2004). Getting it right the first time, greating a healthy marriage. Taylor & Francis Books. Inc.
- Nock, S.L. (1995). A Comparision of marriage and cohability relationship. *Journal of Family*, 16, January 95.
- Rice, F.P. (1996). *Intimate relationship marriage and family*. California: Cole.
- Samani, S. (2005). Family Process and Content Model. *Paper presented international society for theoretical psychology conference. 20-24 June, Cape Town, South Aferica.*
- Samani, S. (2007). Important criteria for spouse selection in a sample iranain

- Yoth. *Psychological Reports*, 100, 59-65.
- Sinha, S.P. & Mukerjee, N. (1990). Marital adjustment and space orientation. *The Journal of social psychology*, 130, 5, 630-639.
- Skinner, H.; Stienhauer, P. & Sitarenios, G. (2000). Family assessment measure (FAM) and process model of family functioning. *Journal of Family Therapy*, 22, 790-270.
- Waite, L.J. (1997). *Why Marriage Matters. Strengthening marriage round table*. Washington. DC, 23.
- Whisman, J.A.; Sheldon, B. & Corring, L. (2004). Marital satisfaction and mental health. Department of human development and family studies. *Journal of Psychiatric Research*, 98(9), 243-257.